

نور و زنه بطن و در بر عین نکر و زنه تنهین در و نکر و زنه ع در بر یک نکر و زنه
 یقل نکر و نکر که او زنه قیاس این و نقلده و کسده زیاده اولن حرف و اتا
 سلیمان حرفی در بر یک نکر و نکر در حرف یا الی حرف یا او حرف زیاده
 او را اول برده و زنده و زنه و زنه کلا و اول حرف عین یا اکرم یا افعلا اجتمع
 افعلا آخر و ده استقل استقل یا افعلا اول و بر یک نکر که نکر عین و لام اول و زنده
 ین عین و لام اول و زنده و زنه فعل در فل و کل و کل نکر لفظند اوله تنه و کسده و زنه
 و سکون که نکر و زنده و زنه بوند، بولور تمام موافقت او زنه اول و بر یک نکر
 او را زنه نکر فعل یضرب نکر فعل یضرب فعل هر برده و بولور اعتبار او را زنه
 کلنکر مساوی بر بوند و زنه نکر و اول و زنه بوند و زنه نکر اول و بوند و زنه بوند
 در جمع مؤنث اولی نیلین در بر عین مفرد مؤنث مخاطبه اولی و زنه تنهین در
 جمع مؤنث مخاطبه اولی و زنه نکر و زنه نکر که اول و زنه نکر که اول و زنه نکر که
 عین الفعل بفرع قلب او را زنه نکر و زنه نکر اصل او زنه نکر
 او را زنه مثلا افعلا نکر و افعلا نکر و افعلا نکر و افعلا نکر و افعلا نکر و افعلا نکر
 و زنه نکر یفتعل در کتبه و نکر یفتعل نکر و نکر یفتعل نکر و نکر یفتعل نکر
 او زنه قیاس افعلا و زنه نکر افعلا نکر و زنه نکر افعلا نکر و زنه نکر افعلا نکر
 مجرد بوند و زنه نکر که نکر یفتعل نکر یفتعل نکر یفتعل نکر یفتعل نکر یفتعل نکر
 اوله نکر بوند و زنه نکر یفتعل نکر یفتعل نکر یفتعل نکر یفتعل نکر یفتعل نکر
 ماضی مفرد مذکر غایب مثلا زنه نکر و زنه نکر افعلا نکر افعلا نکر افعلا نکر
 بر غایب ار کشی بگیرم کلور و زنه نکر یفتعل نکر افعلا نکر افعلا نکر افعلا نکر
 افعلا ابو بانه افعلا یاء و زنه نکر افعلا نکر افعلا نکر افعلا نکر افعلا نکر
 فیر بوند قاعده عین الفعل مکرر قلعده نکر و زنه نکر افعلا نکر افعلا نکر افعلا نکر